

پلورالیسم سیاسی: نگرشی توصیفی و تحلیلی

دکتر علی کریمی مله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

پلورالیسم سیاسی الگویی از توزیع قدرت سیاسی است که چگونگی رابطه شهروندان و گروه‌های سیاسی - اجتماعی با دولت را مورد توجه قرار می‌دهد.

اصول فکری آن به شرح زیر است:

- ۱- قدرت دارای منابع مختلف و در نتیجه پراکنده است.
- ۲- دولت واجد ماهیت طبقاتی نیست.
- ۳- گروه‌های ذی‌نفوذ آزادانه سازمان یافته و خودانگیخته در جریان دوطرفه ارتباطات بین الیت و شهروندان نقش میانجی را ایفا می‌کنند.
- ۴- به دلیل عضویت متداخل و همپوشی شهروندان در

گروه‌های مختلف به خشونت و بی‌ثباتی نمی‌انجامد.

پلورالیسم سیاسی همانند بسیاری از نظریه‌ها و مکاتب سیاسی دیگر از نقاط قوت برخوردار است. نقاط قوت آن چنین است:

۱- پلورالیسم سیاسی مانع توده‌ای شدن زندگی سیاسی می‌شود.

۲- با اعطای امکان تبیین آزادانه منافع، از بروز ناگهانی، خشونت‌آمیز و غیرقانونمند تعارضات جلوگیری می‌کند.

۳- چون در نظام‌های تک‌شکری تصمیم‌گیری برآیند منافع گروه‌های مختلف است در نتیجه احتمال خطا کاهش می‌یابد.

۴- پلورالیسم سیاسی باعث ترغیب مشارکت و پویایی زندگی سیاسی می‌شود.

نقاط ضعف آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱- اشکال متدولوژیک پلورالیسم سیاسی ناشی از نگرش تک بعدی به قدرت و تصمیم‌گیری و عدم توجه کافی به غیر تصمیمات است.

۲- اشکال متدولوژیک دیگر منبوجه ماهیت غیر انباشتی قدرت است. به نظر منتقدین بسیاری از مؤلفه‌های قدرت ماهیتی انباشتی دارند.

۳- کثرت‌گرایی با تأکید بر آزادی رقابت گروه‌ها، احزاب و سایر نهادهای مدنی نسبت به آزادی‌های فردی بی‌توجه است.

۴- در حالت عدم تعادل گروه‌ها، کثرت‌گرایی به سلطه گروه‌های مقتدر و ممتاز در جامعه می‌انجامد.

۵- کثرت‌گرایی با اعطای اجازه تبیین منافع، خطر کنترل و اعمال قدرت توسط گروه‌های ضد دموکراتیک را می‌پذیرد.

۶- پلورالیسم سیاسی، با آفرینش مراکز متکثر قدرت در جهت تضعیف کارآمدی دولت عمل می‌کند و اگر جامعه‌ای

دارای شکافهای متراکم فرهنگی، قومی، زبانی، جغرافیایی و اقتصادی باشد آثار زیانبار تحقق تکثر سیاسی بر همگرایی و وحدت ملی دو چندان خواهد شد. نتیجه اینکه پلورالیسم سیاسی اگرچه ضرورتی اجتناب ناپذیر است ولی با توجه به ویژگی‌های غالب فرهنگی، ساخت قدرت سیاسی، ساختار قومی، زبانی ایران و عوامل مؤثر و ذینفع فراملی مستلزم حزم و احتیاط فراوان و قبل از هرچیز بومی کردن آن است.



مقدمه

از بنیادی‌ترین پرسش‌هایی که فراروی محققان سیاست و سیاستمداران قرار دارد موضوع قدرت، الگوهای توزیع آن، کیفیت رابطه حکومت با شهروندان و گروه‌های اجتماعی و میزان و نحوه تأثیرگذاری آنها بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی است. از منظر تئوریک، مکاتب و الگوهای مختلفی برای تبیین چگونگی توزیع قدرت مطرح شده‌اند که از جمله آنها الگوی پلورالیسم (کثرت‌گرایی) سیاسی است. نویسندگان از آن رو از میان الگوهای مختلف توزیع قدرت سیاسی به پلورالیسم سیاسی توجه می‌نمایند که معتقد است با عنایت به تحولات پرشتاب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ایران طی سالهای اخیر و طرح مباحثی مانند تکثر سیاسی، جامعه مدنی و... و قوف از پیشینه نظری بحث، محاسن و معایب نظری و عملی آن برای مدافعان و مخالفانش ضروری است تا از رویکردی علمی و فارغ از شیدایی و نفرت و دل‌باختگی و بیگانه ستیزی بدان بنگرند و با تنگناها و محدودیتهای تحقق آن در جامعه، آشنا شوند.

- با این هدف، تحقیق درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:
- الف: تکثرگرایی سیاسی به منابع قدرت و توزیع آن چگونه می‌نگرد؟
- ب: خاستگاه این مکتب کجاست؟
- ج: پیش زمینه‌های تاریخی آن چیست؟
- د: اشکال گوناگون پلورالیسم کدام است؟
- ه: چه ایراداتی از نظر متدولوژیک و محتوایی بر این الگو وارد است؟

الف: پلورالیسم سیاسی و اصول فکری آن

پلورالیسم یک تئوری آمریکایی درباره تأثیر منازعات گروهی و محلی بر سیاستگذاری است و از جایگاه برجسته‌ای در مباحث سیاسی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برخوردار بوده و کاریست آن از ایالات متحده به سایر دموکراسی‌ها تسری یافت به طوری که می‌توان گفت مفهوم پلورالیسم از صادرات فکری آمریکایی است.^۱

فرض اصلی پلورالیسم، تکثر و تنوع منابع قدرت است و مدعی است که دموکراسی‌ها صحنه‌هایی باز و رقابتی هستند که در آن گروه‌ها و منافع مختلف برای نفوذ و تأثیرگذاری بیشتر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. به بیان دیگر پلورالیسم جریان و روشی سیاسی را توصیف می‌کند که ویژگی آن، توزیع نسبتاً برابر امکانات و فرصتها برای دستیابی به منابع سیاسی است و یا سیستمی است که گروه‌های متعدد و رقیب از طریق چانه‌زنی و مصالحه و بدون ترغیب یا مداخله بوروکراسی حکومتی، به تکوین سیاست عمومی مساعدت می‌کنند. به علاوه پلورالیسم نوعی سیستم بازار آزاد با ساختار مختلف است که گروه‌های مختلف بدون مواجهه و تحمل مجازاتهای حکومت در فضای سیاسی جامعه حضور دارند.^۲

بال در تعریف و توضیح پلورالیسم چنین می‌نویسد: «پلورالیسم معتقد است که قدرت سیاسی در لیبرال دموکراسی‌ها بطور گسترده توزیع شده است و رقابتی همیشگی بین گروه‌ها در جریان است به طوری که همواره گروه‌های نوینی ظاهر می‌شوند. تصمیمات، محصول چانه‌زنی بین گروه‌های مؤثر و با نفوذ است و اگرچه قدرت سیاسی به طور برابر توزیع نشده است ولی هیچ گروهی به شکل انحصاری از قدرت برخوردار نیست و راه حل منازعات، غیر خشونت‌آمیز بوده و از طریق چانه‌زنی و روندهای قانونی و اداری مانند انتخابات حل و فصل می‌شود».^۳

رئوس اصول فکری پلورالیسم به شرح زیر است:

۱- به دلیل تنوع و تعدد مبانی قدرت مانند تحصیلات، اطلاعات، پرستیژ و اعتبار اجتماعی، نفوذ مذهبی، ثروت و دسترسی و کنترل بر وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های اجتماعی مختلفی در جامعه وجود دارند. چنین وضعیتی شبیه الیگوبولی در اقتصاد است که در آن نه رقابت کامل بازاری - معادل دموکراسی به معنای اکثریتی آن - و نه مونوپولی یا انحصار حکومت - معادل حکومت الیت واحد - برقرار است بلکه تعدادی

گروه قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند.^۴ دولت عرصه رقابت، منازعه و سازش بین گروههاست. این نظریه منکر وجود یک گروه مسلط است که در تمام حوزه‌ها عمل کند. قدرت پراکنده است و گروههای مختلف در حوزه‌های مختلف صاحب قدرتند نه در همه حوزه‌ها.

از منظر پلورالیسم، سیاست یک نوع بازی است و تیم‌های رقیب و گروههای معارض برای کسب پیروزی و قدرت بیشتر مبارزه و تلاش می‌کنند اما چنین نیست که رقابت برای تأمین و تضمین منافع به نابسامانی و بی‌نظمی منجر شود بلکه توافق بر سر قواعد بازی به ایجاد نظم می‌انجامد.^۵ به دیگر سخن الگوی پلورالیستی به حکومت به عنوان صحنه‌ای برای چرخش آزاد تعامل منافع می‌نگرد. دولت نقش ناظر و قاضی بی‌طرف را ایفا نموده و اختلافات و منازعات را کنترل می‌کند و تحت نظم درآورده و مدیریت می‌کند.

۲- کثرت‌گرایی علیرغم تأکید بر اجتناب ناپذیر بودن منافع رقیب اقتصادی و تنوع عقاید سیاسی، برخلاف مارکسیسم بر غیر طبقاتی بودن قدرت دولت و شکافها و منازعات سیاسی اصرار می‌ورزد. کثرت‌گرایی با تفکر قالبی و از پیش تعیین شده در تعارض است و اجازه می‌دهد شهروندان با عقاید متنوع درباره مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زندگی کنند و بیاندهند.

۳- کثرت‌گرایی گروههای ذی‌نفع آزادانه سازمان یافته و خودانگیخته را به عنوان میانجی در جریان دو طرفه ارتباطات بین الیت و شهروندان تلقی می‌کند. شهروندان از طریق این گروهها برای تبیین منافع متنوع خود برای قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند.^۶

۴- از آنجا که اغلب مردم دارای منافع متعدد هستند و برای تبیین آنها به عضویت گروههای اجتماعی مختلف در می‌آیند در نتیجه شدت و حدت منازعات بین گروهی طوری افزایش پیدانمی‌کند که مانع چانه‌زنی، گفتگو و مصالحه شود. بنابراین منازعات بین گروهی به سمت بی‌ثباتی سیاسی و رقابت‌های خشونت‌آمیز سوق نمی‌یابد.

۵- پلورالیسم الگویی از توزیع قدرت سیاسی است که با تأثیرپذیری از سنت ویر در مورد منابع مختلف قدرت، نگرش انتقادی نسبت به الیتسم، مارکسیسم و دموکراسی سنتی یا مستقیم دارد زیرا بر اساس مارکسیسم دولت واجد ماهیت طبقاتی و ابزار سلطه طبقه اقتصادی مسلط است در حالی که از نظر پلورالیسم منابع اجتماعی قدرت متکثر

است و ثروت یکی از آنهاست و دولت فاقد ماهیت طبقاتی است. همزمانی کثرت‌گرایی با واقع‌نگری و واکنشی در قبال دموکراسی سنتی نیز به شمار می‌رود زیرا معتقد است امروزه بدلیل گستردگی قلمرو کشورها و پیچیدگی‌های فنی و محدودیت‌های فراوان، اعمال دموکراسی مستقیم ناممکن می‌نماید و حتی برخلاف تعبیر ژاکوبینی از دموکراسی، پلورالیسم مدعی است که اکثریت حکومت نمی‌کند بلکه تعداد زیادی حکومت می‌کنند و دموکراسی به معنی تعدد گروه‌های قدرت و احتمال جابجایی مسالمت‌آمیز آنان است. پلورالیسم با الیتسم نیز که مدعی وجود یک الیت حاکم است مخالف است و برعکس معتقد است که در حوزه‌های مختلف، اقلیتها به جای یک اقلیت تصمیم‌گیری و یا اعمال نفوذ می‌کنند.^۷

ب: پیشینه نظری

اگرچه تئوری پلورالیستی توزیع قدرت با نام رابرت دال امریکایی قرین است اما قدمت این اندیشه به پیش از وی برمی‌گردد. اولین اندیشمندان پلورالیست در ایالات متحده امریکا مدیسون و هامیلتون بودند. دیدگاه‌های آنان را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- سیاستمداران معمولاً تحت تأثیر انگیزه‌های نودوستانه یا ملاحظه منافع عمومی قرار ندارند بلکه برعکس، آنان در صورتی که امکان یابند از اعمال قدرت و افزایش آن لذت می‌برند.

۲- تعارض و تزاخم منافع در جامعه اجتناب‌ناپذیر است و ضرورتاً منجر به پیشرفت و افزایش منازعات بین بخشها و اجزاء می‌شود.

۳- بخش‌های مختلف درون جامعه اگر به وسیله دیگران کنترل نشوند منافع خود را به ضرر دیگران افزایش می‌دهند.

۴- این بخشها باید به وسیله سیاستمداران راهنمایی یا نمایندگی شوند. سیاستمداران کسانی هستند که انتظار می‌رود قدرتشان را به منظور ارتقاء منافع بخش خود بکار ببرند.

پلورالیسم مدیسون و هامیلتون بر مبنای جغرافیایی قرار داشت ولی در اندیشه متفکرین سیاسی بعدی این مبنا جای خود را به تأکید بر نقش گروه‌های سازمان یافته بر

تصمیم‌گیری حکومت داد. به نظر لانام گروه‌های ذی‌نفوذ صورت‌بندی بنیادین سیاسی هستند و فرایند سیاسی را مبارزه بین چنین گروه‌هایی تشکیل می‌دهد.^۸ آنچه ماسیاست عمومی می‌نامیم همان موازنه حاصله در این مبارزه بین گروه‌هاست. دهه سال ۱۹۵۰ م شاهد انتشار کتب و مقالات بسیار باهمین دیدگاه بود. یکی از مهم‌ترین آنها کتاب ترومن با عنوان "فرایند حکومت - ۱۹۵۰ م" بود. او سعی کرد با تلفیق نتایج مطالعات تخصصی بی‌شمار درباره دولتهای مدرن، مفهومی سیستماتیک درباره نقش و اهمیت گروه‌های ذی‌نفوذ رقیب در فرایند سیاسی عرضه نماید. به نظر ترومن گروه‌های ذی‌نفوذ در قلب فرایند سیاستگذاری قرار دارند و ساختار سیاسی ایالات متحده از طریق فعالیتها و تلاش‌های گروه‌های ذی‌نفوذ سازمان یافته شکل گرفته است.^۹

از نظر ترومن مفهوم "گروه ذی‌نفوذ بالقوه" کارکردی مشابه کارکرد دست‌نامری آدام اسمیت ایفا نموده و ضامن آن است که تعارض منافع به بروز نتایجی همچون واژگونی سیستم منجر نشود. به نظر ترومن عامل کنترلی دیگر، عضویت همپوش و متداخل افراد در گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ است. عضویت افراد در گروه‌های مختلف با ایجاد موازنه بین آنها باعث محدودیت قدرت هر یک از آنها می‌شود.^{۱۰}

در دهه ۱۹۶۰ م با انتشار کتاب رابرت دال با عنوان "چه کسانی حکومت می‌کنند؟" توجه از تأکید بر نقش گروه‌های فشار در کنگره به توزیع نفوذ و قدرت در سیاستهای شهری با استفاده از متدولوژی نوین معطوف شد. زمینه نگارش این کتاب، انتشار چندین تحقیق پیمایشی درباره قدرت در جامعه آمریکا بود که به وسیله جامعه‌شناسان انجام شده بود. نتیجه این تحقیقات این بود که قدرت در شهرهای آمریکا تحت سلطه الیتی از شهروندان طبقه بالای جامعه قرار داشت. رابرت دال و یکی از همکارانش نلسون پلسبای معتقد بودند که متدولوژی مورد استفاده در این مطالعات ناصحیح و بالطبع نتایج اشتباه بودند.

رابرت دال با رد روش شناسی مبتنی بر موقعیت^{۱۱} و شهرت^{۱۲} معتقد بود که برای پی‌بردن به وجود الیت حاکم در جامعه مورد مطالعه - نیو هاون آمریکا - باید مجموعه‌ای از تصمیمات عینی که حاکی از ترجیحات الیت حاکم در برابر سایر گروه‌هاست را مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر به نظر دال به جای سؤال از شهروندان درباره میزان نفوذ افراد از روی مقام، اعتبار، پرستیژ، نفوذ یا شهرت آنان باید پدیده و شرایطی که در

آن قدرت اعمال می‌شود یعنی تصمیمات را مورد مطالعه قرار داد. در این روش دال نتایج و محصولات مشخصی که نشان می‌داد
 عملاً چه کسانی در امر تصمیم‌گیری و سیاستگذاری جامعه نقش دارند را مطالعه کرد. اصول اساسی و نتایجی که از مطالعات میدانی در شهر نیوهاون امریکا استخراج شد عبارت بودند از:

- ۱- تمایز بین قدرت واقعی و بالقوه
- ۲- روش تمرکز بر تصمیمات
- ۳- در میان تصمیم‌های گوناگون برای مطالعه، تصمیم‌های سیاسی نقش غالب و برتر داشتند.

یافته‌های دال در نیوهاون اصول زیر را در مورد منابع سیاسی نشان می‌دهد:

- ۱- منابع سیاسی دارای انواع مختلف هستند.
- ۲- قدرت به صورت نابرابر بین گروهها توزیع شده است.
- ۳- هیچ منبع قدرتی بر همه منابع دیگر سلطه ندارد.
- ۴- معمولاً شخصی که از منبعی به مقدار زیاد برخوردار است از سایر منابع به میزان اندک دارد.^{۱۳}

دال به این نتیجه رسید که در شهر مورد مطالعه‌اش هیچ گروهی در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری مثل آموزش، توسعه شهری و تعیین مقامات سیاسی برتری انحصاری نداشت. در هر موضوعی بازیگران متعدد ظاهر شدند و نقش‌های متفاوتی ایفا کردند. به دیگر سخن ویژگی اصلی پلورالیسم از نظر دال این است که اقلیتهای مختلف در حوزه‌های گوناگون، تصمیم‌گیری و اعمال نفوذ می‌کنند. گروهها یا اشخاصی که منابع مشخصی در حوزه‌های معینی دارند تقاضاهایشان در همان زمینه است و به ندرت از آن حوزه خارج می‌شوند. در نتیجه ماهیت قدرت، غیر متمرکز و چند پارچه است.
 وینسنت رایت دیدگاه پلورالیسم درباره ماهیت غیر متمرکز قدرت سیاسی را به شکل زیر نشان داده است:^{۱۴}



به نظر دال منابع سیاسی، غیر انباشتی^{۱۵} است. بدین معنی که منابع مختلف قدرت در اختیار اشخاص و گروههای مختلف است و نمی تواند به صورت مونوپولی در یک گروه یا شخص جمع شود. در نتیجه اشخاص یا گروهها در زمانها، شرایط و حوزههای خاصی به اعمال قدرت می پردازند. در جمع بندی می توان گفت در نظریه دال وجود گروهها و علایق و دیدگاههای اجتماعی و سیاسی متکثر بنیان دموکراسی محسوب می شود و دموکراسی نه به مفهوم حاکمیت اکثریت بلکه حاکمیت ادواری چندین گروه اقلیت رقیب معنی می شود. این خواستها در نهادهای دموکراتیک متبلور شده و مانع ظهور حکومت متمرکز می شود. دموکراسی از نظر دال همان پلی آرشی^{۱۶} است.

ج: انواع پلورالیسم سیاسی

کثرت گرایی سیاسی روایتی از تقسیم و توزیع قدرت است که با توجه به پیچیدگی های منابع قدرت در جوامع فزینی، اشکال مختلفی به خود دیده است. در زیر تقسیم بندی چارلز آندرین و دیوید اپتر در مورد انواع پلورالیسم سیاسی را شرح می دهیم.

به نظر نویسندگان کتاب، در تحلیل سیاست ما ناگزیر از توجه به سه حوزه فرهنگ، ساختار و رفتار هستیم و موضوع پلورالیسم سیاسی با مسأله ساختار مرتبط است. تفسیر پلورالیستی از سیاست به عنوان یک بازی، سه موضوع اساسی درباره تحلیل ساختاری را برجسته می سازد:

۱- چه کسانی حکومت می کنند؟

۲- مبنای نظم سیاسی چیست؟

۳- چگونه فرایند سیاست عمومی تغییرات اجتماعی را ایجاد می کند؟

به نظر آنان این موضوعات پایه های مؤثری برای مقایسه انواع غالب پلورالیسم در جهان امروزین را فراهم می کند. با توجه به چگونگی روابط بین دولت، گروههای اجتماعی و افراد، تعامل ساختاری بین حکومت مرکزی و گروهها و روابط بین گروهی، سه نوع پلورالیسم از هم قابل تمیز است.

۱ - پلورالیسم لیبرالی

این نوع پلورالیسم از جنگ دوم جهانی به این سو بر زندگی سیاسی ایالات متحده امریکا، کانادا، استرالیا، نیوزیلند و اروپای غربی سایه افکنده است. انجمن‌های داوطلبانه و خودانگیخته، اشکال اصلی گروه‌ها را تشکیل می‌دهند. این نهادها مستقل از کنترل مستقیم دولت؛ با مداخله بین دولت و شهروندان قدرت حکومت را کنترل کرده و در تلاشند منافع اعضای خود را تأمین نمایند. انجمن‌های اقتصادی، سازمانهای تجاری و شغلی، اتحادیه‌های کارگری، کشاورزی، اتحادیه مصرف‌کنندگان، گروههای قومی و مذهبی برای تأثیرگذاری بیشتر بر سیاستهای عمومی با یکدیگر رقابت می‌کنند. در کثرت‌گرایی لیبرالی دولت به عنوان هدف تقاضای گروهها عمل می‌کند و حافظ تعادل و توازن بین آنهاست. مقامات حکومتی کوشش می‌کنند تا بین ترجیحات سیاسی متنوع که توسط گروههای مختلف بیان می‌شود مصالحه برقرار سازند. اگر گروههای معارض نتوانند حقوق و منافعشان را از طریق فرایند تقنینی تضمین کنند به فرایند قضایی متوسل می‌شوند.

به عبارت دیگر توافق بر سر ارزشهای مدنی و قواعد تنظیم‌کننده بازی سیاسی، رقابت گروهی غیر خشونت‌آمیز را مهیا می‌سازد. به منظور افزایش دستاوردهای گروه خودی و ارتقاء رقابت مسالمت‌آمیز برای دستیابی به منابع بیشتر، رهبران معارض، رویه‌های اجتماعی را که ضامن آزادی سیاسی نیز هست، رعایت می‌کنند. طبق اعتقاد کثرت‌گرایان لیبرال قدرت پراکنده، رقابت مسالمت‌آمیز و تعامل سودآور طرفین تغییر منظم و بهنجار را تسهیل می‌کند. چنین تغییری از درون توازن و تعامل پویا بر می‌خیزد. از این دیدگاه فرایند سیاسی شبیه بازار است. همچنانکه در حوزه اقتصادی خریدار، پول، کالاها و خدمات و فروشنده از طریق مکانیسم بازار فعالیت می‌کنند در حوزه سیاست نیز شهروندان - خریداران - به وسیله رأی - پول - تقاضاهای سیاسی عمومی - کالاها و خدمات - که به وسیله مقامات سیاسی - فروشندگان - از طریق نهادهای حقوقی - مکانیسم بازار - عرضه شده است به فعالیت می‌پردازند. ساختار حقوقی به ویژه مجالس و احزاب ائتلافی که شامل انجمنهای منافع متنوع هستند، شهروندان را با رهبرانشان مرتبط می‌سازند و در تلاشند تا تعادل بین تقاضاهای عمومی و سیاستهای همگانی را تضمین کنند. بی‌نظمی سیاسی وقتی پدید می‌آید که تقاضاهای

شهروندان بیش از قابلیت پاسخگویی دولت باشد. شهروندان از راه انتخابات ادواری قدرت حکومت را کنترل می‌کنند. آنان برای تبیین تقاضاهای خود، اپوزیسیون، احزاب مخالف، سازمانهای داوطلبانه و خودانگیخته و جنبش‌های اجتماعی را سازماندهی نموده و بدان ملحق می‌شوند.

۲- پلورالیسم انجمنی

اگرچه هنوز پلورالیسم لیبرالی مبنای نظم سیاسی در جوامع دموکراتیک معاصر غربی باقی مانده است ولی در طول دهه ۱۹۹۰م. پلورالیسم انجمنی در بخش وسیعی از جهان حتی در اروپای غربی گسترده شده است. زیرا در این دهه روابط مدنی تضعیف شده و گروههای قومی مسلط تحمل و تساهل کمتری نسبت به مهاجران از آفریقا، اروپای شرقی و آسیا از خود نشان دادند و حتی شانس کسب پناهندگی سیاسی در کشورهای اروپای غربی کاهش یافت. امروزه در اروپای شرقی، آفریقا، جنوب آسیا و حوزه کارایب، کثرت‌گرایی انجمنی کارکرد فرایند سیاسی را تشکیل می‌دهد.

در حالی که کثرت‌گرایی لیبرالی به سیاست به صورت بازی با حاصل جمع مثبت^{۱۷} می‌نگرد و در جستجوی فرصتهای گسترده برای کسب قدرت سیاسی برای گروههای مختلف است، پلورالیسم انجمنی تصمیم‌سازی حکومت را از مقوله بازی با حاصل جمع صفر^{۱۸} می‌پندارد. هدف عمده سیاسی معطوف به در دست داشتن حکومت است به طوری که گروه مسلط قومی یا مذهبی بتواند منافع سیاسی مانند زمین، امتیازات مالیاتی، یارانه‌ها، مجوزها، قراردادها، قبولی در دانشگاهها و احراز کرسی تدریس و موقعیت‌هایی در خدمات شهری دریافت نماید. گروه قومی یا مذهبی مسلط، گروههای انجمنی تابع را سرکوب می‌کند و آنان از حقوق محدودی برای ایفای مشارکت در فرایند سیاست برخوردارند و در نتیجه پاداش‌های اندکی از طرف حکومت دریافت می‌کنند.

در سایه کثرت‌گرایی انجمنی نظم سیاسی شکننده است و رهبران سیاسی نمی‌توانند منازعات را به آسانی از طریق مسالمت آمیز حل و فصل کنند. در این جوامع گروههای نخستین^{۱۹} و مذهبی از نفوذ مسلط برخوردارند و از روابط گسترده‌ای با سایر گروههای انجمنی برخوردار نیستند.

هریک از آحاد جامعه به گروههای معدودی تعلق و در آنها عضویت دارد. عضویت

شهروندان در این گروهها دائمی است و مردم به راحتی نمی‌توانند عضویتشان را از طریق اکتساب یا اقناع تغییر دهند. این روابط سخت و متصلب گروهی به انباشت شکافهای انجمنی - اقتصادی کمک می‌کند. با سلطه یک گروه انجمنی، اجبار و نه اجماع و رضایت به مهم‌ترین تاکتیک برای حفظ نظم سیاسی تبدیل می‌شود و در اثر فقدان گزینه‌های مسالمت آمیز برای نیل به اهداف، گروههای تابع اغلب به روشهای اعتراضی خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند و در نتیجه اجبار حکومت و اعتراضات خشونت‌آمیز، تغییر اجتماعی به ندرت از طریق سازگاری منافع گروههای مختلف به وقوع می‌پیوندد.

در این جوامع استیلای قومی بر همدلی با سایر گروههای قومی تفوق داشته و حکومت منکر حقوق برابر شهروندان در برابر قانون، دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و بازار کار هست. منازعات سیاسی - اجتماعی در ایرلند شمالی، سری لانکا و فیجی که حاکی از فقدان ارزش‌های مدنی مشترک، عدم تفاسیر مشترک فرهنگی و نهادهای ملی همگراکننده است، نمایانگر مشکلات مصالحه مسالمت‌آمیز منازعات در پرتو کثرت‌گرایی انجمنی است.

۳- پلورالیسم رادیکال

کثرت‌گرایی رادیکال باره دو نوع گذشته، نسبت به روابط نابرابر معترض است. به نظر کثرت‌گرایان لیبرال در جوامعی که به طور رسمی دموکراتیک هستند، احزاب سیاسی، انجمن‌ها و اتحادیه‌های داوطلبانه خودانگیخته و نهادهای حکومتی، منافع ثروتمندترین طبقات که فعال‌ترین نقش را در زندگی سیاسی ایفا می‌کنند، رانمایندگی می‌کنند. در حالی که افراد و توده‌های سازمان نیافته، ضعیف و فقیر منابع اندکی برای تکوین سیاستهای عمومی در اختیار دارند. در نتیجه الیتهای قدرتمند سیاسی از حق و تو نسبت به سیاستها برای حفظ وضع موجود برخوردارند.

کثرت‌گرایی رادیکال به دنبال تحقق نوعی سیستم سیاسی مبتنی بر برابری، عدم تمرکز و مشارکت گسترده است. این نگرش برعکس دولت بوروکراتیک متمرکز و اولیگوپولی در تلاش است تا توده‌های سازمان نیافته را سازماندهی، ضعف را تقویت و فقرا را ثروتمند سازد. این نگرش با تأکید بر ساختارهای مردمی مثل سازمانهای دفاع از حقوق

اجاره نشینان، انجمن‌ها و سندیکاها، شوراهای کارگران، انجمن‌های طرفدار محیط زیست و ضد سلاحهای هسته‌ای، تعاونیهای تولیدکنندگان، کلینیک‌های بهداشتی و ... حق مشارکت و دسترسی به حکومت را برای شهروندانی که پیش از این، خارج از فرایند سیاسی قرار داشتند فراهم می‌سازد. شهروندان از طریق واحدهای خودگردان محلی مانند شوراهای انتخابی شهری یا روستایی، برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی با یکدیگر همکاری می‌کنند و احزاب سیاسی به جای تلاش صرف جهت پیروزی در انتخابات، مشارکت توده‌ها را سازماندهی می‌کنند.

به نظر کثرت‌گرایان رادیکال، سیستم سیاسی ایده‌آل، هر فرد را با همکاران و هموعانش برابر می‌سازد. صرف‌نظر از موقعیت و پایگاه اجتماعی، همه مردم از حق مشارکت فعالانه در تصمیم‌گیری سیاسی بهره‌مند می‌شوند. به نظر آنان ساختارهای کوچک و غیر متمرکز بطور موثرتری خواهند توانست تغییر اجتماعی را از راه استراتژی‌های اجماعی و خود انگیخته تضمین نمایند. مشارکت گسترده در انجمن‌ها و سازمانهای برابری طلب به شهروندان امکان می‌دهد تا هنجارهای اقناع، همکاری، تعهدات و مسئولیت متقابل و وظایف مدنی ضروری برای نظم سیاسی و تغییر اجتماعی را فرا بگیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

جدول زیر خلاصه‌ای از معتقدات انواع مختلف پلورالیسم سیاسی را نشان می‌دهد.^{۲۰}

پلورالیسم رادیکال	پلورالیسم انجمنی	پلورالیسم لیبرالی	ساختارهای کلیدی تصمیم‌گیری
مؤسسات غیر متمرکز و خودگردان همانند شوراهای انتخابی شهری پاروستایی	مؤسسه‌ای برای سرکوب گروه‌های قومی-مذهبی تابع و تضمین منافع سیاست برای گروه مسلط	میانجی اختلافات بین گروه‌ها	حکومت
مشارکت از سوی مردم ضعیف، فقیر و سازمان نیافته در مقابل بوروکراسی‌ها	گروه‌های نخستین (به ویژه قومی) و مذهبی	انجمن‌های قدرتمند میانجی به ویژه انجمن‌های اقتصادی و مدنی	گروه‌ها
عضو چندین گروه که مشارکت‌کنندگان را برای ایفای نقش‌های متنوع ترغیب می‌کنند	عضو تعداد معدودی از گروه‌ها با زمینه‌های مذهبی و قومی مشابه	عضو چندین گروه با زمینه‌های اجتماعی متنوع	افراد
مشارکت سیاسی فراگیر در ساختارهای غیر متمرکز (متینگ‌های شهری، شورا-ها، تعاونی‌ها و انجمن‌ها) به وسیله افرادی که تا کنون دور نگه داشته شده بودند	سرکوب از سوی دولت، ساز و کارهای غیر مؤثر همانند انتخابات انجمنی، خودمختاری منطقه‌ای و قدرالیسم	اقتصاد بازررقابتی باجماع در رو به با ارزش‌های مدنی مشترک که به وسیله احزاب ائتلافی، قوه مقننه مینتی برنامه‌بندی، دادگاه‌های مستقل و مدارس عمومی و فراگیر آموزش داده می‌شود	مبنای نظم
بسیج نودهای از پایین که در کوتاه مدت تغییراتی را در صورت‌بندی اجتماعی می‌آفریند اما در درازمدت به هم تفاوتی نوده‌ای و مخالفت‌الیت محافظه کار می‌نجامد	سرکوب دولتی به وسیله گروه‌های مسلط انجمنی (قومی-مذهبی)، اعتراضات خشونت‌آمیز به وسیله گروه‌های انجمنی تابع	ائتلافی‌هایی که بین حکومت و گروه‌های ذی نفوذ برای انجام تغییرات تدریجی صورت می‌گیرد	علل تغییر اجتماعی

د: نقد و ارزیابی الگوی پلورالیسم سیاسی

پلورالیسم سیاسی همانند بسیاری از نظریه‌ها و مکاتب سیاسی دیگر از نقاط قوت و ضعف به صورت توأمان برخوردار است. در این قسمت از مقاله، نخست به نقاط قوت و سپس به ایرادات آن اشاره می‌کنیم.

- از جمله نقاط قوت پلورالیسم سیاسی این است که چون در جامعه کثرت‌گرا گروه‌ها و احزاب رقابتی آزادانه برای دستیابی به منافع خود، منابع قدرت سیاسی را سازماندهی نموده و البته و گروه‌های میانجی از طریق سازمان‌های وابسته به خود مواضع بخش‌های گوناگون جامعه را در صحنه سیاست منعکس می‌کنند، لذا سیاست گروهی مانع از توده‌ای شدن زندگی سیاسی می‌شود.^{۲۱} با پرهیز از توده‌ای شدن سیاست، حیات سیاسی تابع قواعد بازی سیاسی شده و میزان دخالت مؤلفه‌های ناشناخته محدودتر می‌شود و تحولات سیاسی درجه بالاتری از پیش‌بینی پذیرد به خود می‌بینند.

- قوت دیگر پلورالیسم سیاسی این است که با اعطای فرصت و امکان تبیین منافع، مواضع و علایق متفاوت و نهادینه کردن آن برای گروه‌ها و شهروندان و نیز تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، از بروز ناگهانی، خشونت‌آمیز و غیرقانونمند تعارضات جلوگیری می‌کند به طوری که به قول دارندورف بین سازمان یافتگی و امکان تبیین عقاید گروه‌های اجتماعی و توسل به روش‌های خشونت‌آمیز رابطه معکوس وجود دارد.^{۲۲}

- جلوگیری از بروز استبداد سیاسی از پیامدهای مثبت تکثرگرایی به شمار می‌آید. این مکتب برای رهایی از سوءاستفاده از قدرت، راه حل تفرق، تکثر و عدم تمرکز را پیشنهاد می‌کند و معتقد است تکوین احزاب سیاسی، گروه‌ها و انجمن‌ها، شوراهای مطبوعات به گشایش فضای سیاسی و کنترل قدرت حکومت منجر می‌شود و شکل‌گیری نظام استبدادی مبتنی بر انحصار و تمرکز قدرت در دست دولت را مانع می‌شود. دولت در نظام کثرت‌گرا دولتی پاسخگو است که ناگزیر از جوابگویی به افکار عمومی، مطبوعات، احزاب مخالف و سایر مجامع صنفی است. این نهادها از راه انتخابات ادواری قدرت کنترل خود را اعمال می‌کنند.^{۲۳}

- از زاویه‌ای دیگر چون تصمیم‌گیری در نظام‌های تکثرگرا از طریق برآیند منافع و دیدگاه‌های متعارض جامعه اتخاذ می‌شود و با توجه به کانال‌های ارتباطات سیاسی که

گروههای اجتماعی و سیاسی از آن برخوردارند، ابعاد و زوایای گوناگون موضوعات تصمیم گیری با نگرش های مختلف به خوبی شکافته و تحلیل می شود و در نتیجه احتمال خطا کاهش می یابد. پس از اتخاذ تصمیم نیز به دلیل وجود جریان آزاد و دو طرفه ارتباطات سیاسی امکان وقوف و دریافت نظام سیاسی از بازخوردهای حاصله باب تصحیح اشتباهات گشوده می ماند و نظام سیاسی می تواند باطنی فرایند سعی و خطا در تصمیم گیری و سیاستگذاری راه تکاملی خود را بییماید.

- تحقق مشارکت از دیگر نقاط قوت پلورالیسم است. نظام کثرت گرا مبتنی بر تنوع عقاید و رقابت آزادانه و هدفمند به منظور نیل به سهم بیشتری از منابع سیاسی است. رقابت موجب پویایی، تکاپو و نشاط زندگی سیاسی می شود و شهروندان در قالب گروهها احزاب و انجمن های مختلف برای تبیین و تأمین منافع به جرگه فعالیت سیاسی وارد می شوند. چون در نظام کثرت گرا رقابت نهادینه و تابع قواعد بازی سیاسی است و از سویی امکان تحصیل منافع برای همه گروههای رقیب و معارض وجود دارد پس قاعده بازی با حاصل جمع صفر براین رقابت حکمفرما نبوده و با امتناع از توسل به راههای غیرمسالمت آمیز، نظام سیاسی، ثبات و استحکام سیاسی بیشتر کسب می کند. چنانکه پیش از این گفته شد این الگوی توزیع قدرت سیاسی خالی از نقص نبود لذا از اوایل دهه ۱۹۶۰ م به موازات تعمیق آگاهی های عمومی درباره مشکلاتی که در سیاست عملی فراروی کثرت گرایان قرار داشت مانند خشونت داخلی، بحران های شهری و غیره، نویسندگان و محققان محدودیتها و کاستی های متدولوژیک و محتوایی این الگو را مورد انتقاد قرار دادند.

اشکال متدولوژیک پلورالیسم ناشی از نگرش تک بعدی به قدرت و تصمیم گیری و عدم توجه کافی به غیر تصمیمات^{۲۲} است. چون از نظر پلورالیسم، قدرت وقتی اعمال می شود که تصمیمی اتخاذ شود و این در حالی است که ممکن است در شرایطی بدون کاربرد ابزاری قدرت و اتخاذ تصمیم، قدرت اعمال شود. وقتی یک گروه مسلط با تعبیه قوانین و نهادهایی - بدون کاربرد ابزاری قدرت - تصمیم گیری سیاسی را فقط در چهارچوب مسائل مورد علاقه اش محدود سازد، پیشاپیش اعمال قدرت صورت گرفته است. به دیگر سخن گروه حاضر در مسند قدرت از طریق فرایند تقنینی، حقوقی و سیاستگذاری و حتی دستکاری، مانع از آن می شود که همواره برخی از موضوعات به

مرحله تصمیم‌گیری برسد و کثرت‌گرایان با غفلت از جایگاه نابرابر طبقات و گروه‌های اجتماعی و پیامدهای سیاسی آن، نقش مستقل و مسلطی که سیاستمداران در تدوین و شکل‌دهی سیاستها به هنگام پاسخگویی به منافع و تقاضاها ایفا می‌کنند را نادیده می‌انگارند.^{۲۵}

اشکال متدولوژیک دیگر متوجه ماهیت غیرانباشتی قدرت از نظر کثرت‌گرایان است. منتقدین به جد و درستی معتقدند که بسیاری از مؤلفه‌های قدرت ماهیتی انباشتی دارند. به عنوان مثال خود حکومت به عنوان یکی از منابع قدرت واجد ماهیتی انباشتی است و همگان بدان دسترسی ندارند. برخی گروهها بعضی مؤسسات و نهادهای عمومی را تحت کنترل دارند و از این ابزار برای خارج کردن گروههای دارای منافع متضاد و رقیب از مرکز توجه مقامات حکومتی استفاده می‌کنند. اطلاعات از دیگر منابع انباشتی قدرت به شمار می‌رود.

کثرت‌گرایی به خاطر تأکید بر آزادی رقابت گروهها، احزاب و سایر نهادهای مدنی در یک نظام دموکراتیک و بی‌توجهی به آزادی‌های فردی نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. اگرچه وجود نهادهای مدنی میانجی، مانع ظهور نظام‌های اقتدارگرا، اوتاریتر و پوپولیست می‌شود اما کثرت‌گرایی نسبت به نادیده‌انگاری آزادیهای فردی و ساختار لیگاریشیک حاکم بر این نهادها توجه و حساسیتی نشان نمی‌دهد.

از دیگر انتقادات وارد بر کثرت‌گرایی این است که در حالت عدم تعادل گروهها، کثرت‌گرایی به سلطه گروههای مقتدر و ممتاز در جامعه می‌انجامد زیرا افراد فقیر و فاقد تحصیلات عالی و اعضای لایه‌های پایین اجتماعی از فرصتها، امکانات و سازمانهای معدودی برای بیان تقاضاهایشان برخوردارند. در نتیجه در عمل گروههایی که از نظر زمانی در دستیابی به منابع قدرت بر دیگران پیشی گرفته‌اند احتمالاً برای همیشه سهم بیشتری از آن را به خود اختصاص خواهند داد و در نتیجه حکومتی لیگاریشیک با سلطه گروه اقلیت ممتاز و نه گروههای نسبتاً برابر شکل خواهد گرفت. چنین حالتی متافی‌غایت دموکراسی و مشارکت گسترده و حتی خود کثرت‌گرایی است.

نکته دیگر اینکه کثرت‌گرایی با اعطای اجازه تبیین منافع، خطر اعمال کنترل قدرت توسط گروههای ضد دموکراتیک را می‌پذیرد به علاوه پلورالیسم برای به قدرت رسیدن غیرمترقبه رهبران گروههای مختلف، مجال مناسبی فراهم نموده و جامعه را با خطر یکه

سالاریهای گروهی مواجه می‌کند.

مسأله دیگر اینکه پلورالیسم با ترغیب شهروندان به مشارکت در سیاست از طریق گروههای نسبتاً غیر سیاسی مثل اتحادیه‌های صنفی، کارگری، بازرگانی، کشاورزی و ... ممکن است باعث ترویج توجه به منافع خصوصی به ضرر منافع عمومی جامعه شود. به عنوان مثال تأمین منافع اتحادیه‌های صاحبان صنایع ممکن است به آلودگی محیط زیست، اتلاف منابع طبیعی که منافع عمومی جامعه است منجر شود. از این رو مدیریت سیاسی به معنی تلفیق متعادل منافع خصوصی و عمومی از موضوعات حیاتی در پلورالیسم است و تحقق چنین مدیریتی خودبه خود ابهاماتی را در مورد نقش نظارت بیطرفانه دولت برمی‌انگیزد.

از مهم‌ترین انتقادهای وارد بر پلورالیسم این است که این دیدگاه با آفرینش مراکز متکثر قدرت در جهت تضعیف کارآمدی دولت عمل می‌کند زیرا تکثر قدرت بدین معنی است که گروههای متعدد هر یک در مورد سیاستها و خط مشی‌های عمومی از حق و تو بر خوردار بوده و برای تأمین منافع خود با یکدیگر به رقابت بپردازند در نتیجه ممکن است بروز تنش‌ها و رقابتهای بین گروهی، بنیانهای یکپارچگی اجتماعی و همگرایی سیاسی را متزلزل سازد. اگر متغیر شکافهای فرهنگی، قومی، مذهبی، زبانی، جغرافیایی و اقتصادی بر شکافها و تعارض‌های سیاسی افزون شود آثار زیانبار تحقق تکثر سیاسی بر همگرایی و وحدت ملی دوچندان خواهد بود. چنانچه دو متغیر عدم رعایت قواعد بازی سیاسی و وجود بحران مشروعیت نیز اضافه شود، اتخاذ سیاستهای عملی برای تحقق تکثر سیاسی در جامعه مذاقه فراوانی از سوی سیاستمداران را می‌طلبد. بنابراین در صورت فقدان پیش نیازهای تحقق تکثر سیاسی، محصولات و نتایج آن خود ناقص اهداف و آرمانهای تکثرگرایی خواهد شد.

نتیجه

تحقق تکثرگرایی سیاسی علیرغم برخورداری از نقاط قوت فراوانی از جمله واقع‌نگری، توجه به امتناع دموکراسی مستقیم در شرایط امروزین جهان، ممانعت از ایجاد جامعه توده‌ای و نیز اوتارتر، تأمین ثبات سیاسی، عدم تمرکز قدرت، کاهش احتمال خطا در تصمیم‌گیری و گشایش عرصه برای مشارکت سیاسی شهروندان، منوط

به تحقق پیش شرطهایی مانند ارتقاء سطح فرهنگ سیاسی شهروندان و گروههای رقیب به منظور انجام ضابطه مند بازی سیاسی - رقابت در رژیم نه با رژیم به قول دوروزه - گذار از بحران مشروعیت و عدم تفوق تعلقات قومی، مذهبی و... است و هرگونه افراط و تفریط در برخورد با تکثر سیاسی به عدم تعادل می انجامد و خلاصه اینکه تکثر سیاسی اگرچه ضرورتی اجتناب ناپذیر است ولی با عنایت به ویژگی های غالب فرهنگی، ساخت قدرت سیاسی، ساختار قومی، زبانی و جغرافیایی ایران و عوامل فراملی مؤثر در تحولات سیاسی اجتماعی داخلی، مستلزم حزم و احتیاط فراوان و دوراندیشی حسابگرانه و تلفیق معقول و منطقی آرمانگرایی و واقع نگری بومی است و پیش از تصویربرداری کامل از الگوی غربی پلورالیسم سیاسی باید به بومی سازی آن پرداخت.



پی نوشت

1. Anthony H. Birch, *The Concepts and Theories of Modern Democracy*, London, Routledge, 2nd Ed, 1996, P.160.
2. Mary Hawkes Worth and Mourice Kogan, *Encyclopedia of Government and Politics*, volume 1, London, Routledge, 1992, P.381.
3. Alan R. Ball, *Modern Politics and Government*, 4 th Ed, Macmillan LTD, 1988, P. 30.

۴- حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشرنی، ۱۳۷۴، صص

۷۶-۷۷

5. Charles F. Andrain and David E. Apter, *Political Protest and Social Change: Analyzing Politics*, London, Macmillan, 1995, P.173.

6. Adam Kuper and Jessica Kuper, *The Social Science Encyclopedia*, London, Routhedge, 2nd Ed, 1996, P.617.

۷- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به بشیره، همان منبع، ص ۶۵ و

Vincent Wright, *Comparative Government and Politics, An Introduction*, London, The Macmillan Press LTD, 3rd - Ed, 1994, PP.12 - 15.

8. Birch, op.cit, PP.160 - 165.

9. D.Truman, *The Governmental Process*, New York, 1951, P.513.

10. Ibid, P.514.

11. Positional

12. Reputational

13. David Ricci, *Community Power and Democratic Theory: The Logic of Political Analysis*, New York, Random House, 1971, P.133.

14. Wright, op, cit, P.15.

15. Non - Accumulative

16. Polyarchy

17. Positive - sum game

18. Zero - sum game

19. Primordial

20. Andrain and Apter, op. cit, PP.174 - 192.

۲۱- بشیره، همان منبع، ص ۷۷.

22. Ralf Darendhorf, *Class and a Class Conflict in Industrial Society*, Stanford University Press, 1989, P.37

۲۳- جواد اطاعت، مشارکت سیاسی در نظام‌های کثرت‌گرا، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم،

شماره‌های ۱۲۲-۱۲۳، آذر و دی ۱۳۷۶، ص ۲۷.

24. Non - Decisions

25. Ricci, op. cit, PP.164 - 179. and Wright, op. cit, P16